

انسان‌ها از دو جنس مرد و زن آفریده شده و به طور ذاتی به ارتباطات عاطفی و جنسی با یک‌دیگر نیاز دارند. این تمایلات در حیوانات به صورت غریزی بوده و در انسان‌ها جهت پاسخ دهی نیازمند قوه عقلانی می‌باشد. ادیان آسمانی ارتباطات عاطفی و جنسی بین دو شخص غیرهمجنس را در قالب ازدواج صحیح دانسته که زوجین نسبت به یک‌دیگر دارای تعهداتی خواهند بود. تمایلات به جنس مخالف از ابتدای بلوغ آغاز می‌شود، لیکن با بلوغ فکری می‌توان انتخاب مناسب را در مسیر ازدواج انجام داد. در گذشته و حال، ازدواج در سنین پائین وجود داشته که تصور توانایی زوجین برای ورود به زندگی مشترک را مردود می‌دارد. از این رو بحثی به نام «کودک همسری» به وجود آمده و کمپین‌های متعددی برای مقابله با آن تشکیل شده است.

حقوق‌دانان اسلامی معتقدند که دین اسلام هیچ گاه محدودیت سنی برای ازدواج وضع نکرده و با توجه به تأکیدات صریح بر ازدواج زود هنگام، تعیین سن خاص برای ازدواج مردود است. با این حال با توجه به ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که قادر به عبور از سد شورای نگهبان نبود و با مجوز مجمع تشخیص مصلحت نظام به قانون تبدیل شد، می‌توان تحدید ازدواج تحت شرایط خاص را از نظر دین مبین اسلام مجاز دانست. چنانچه در ادامه بیان شده، برخی از فقهای معاصر بر این مهم تأکید نموده‌اند. با این اوصاف می‌توان به مباحث مصلحت بینی مراجعه کرده که گاه با هدف حفظ منافع عمومی، می‌توان تصمیماتی برخلاف قواعد موجود وضع نمود و این مهم در فقه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. مسئله تحقیق این که تحدید ازدواج حسب قواعد فقه اسلامی (مذاهب خمس) به چه صورت بوده و نظریه معتدلانه و صحیح در این خصوص چیست؟ چنین فرض شده که وضعیت کنونی که در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی وجود دارد با اندکی تعدیلات خاص، می‌تواند منطبق بر نظر فقهای اسلامی باشد. مسئله کودک همسری حسب نظریه مذاهب اسلامی تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته و لذا این تحقیق در نوع خود دارای نوآوری می‌باشد و برای نخستین بار به این موضوع پرداخته است.

تجربه نشان داده که برای محدودیت در اعمال مدنی، می‌توان از ابزارهای حقوق جزا بهره برد و با جرم انگاری، مانع برخی اقدامات گردید. به عنوان مثال عدم ثبت ازدواج‌های دائم که از دیدگاه شرعی و قانونی، فاقد ایراد بود، پس از جرم انگاری انجام شده، به شدت کاهش یافت. بنابراین ابزار حکومت در اعمال سیاست‌های خود در مباحث مدنی، جرم انگاری بوده و لذا نویسنده بر آن شد که تحقیق مذکور را به مجله با محوریت حقوق کیفری ارسال نماید.

انجام این تحقیق از این جهت ضرورت داشته که اختلاف نظرهای فقهی و حقوقی در خصوص سن و دیگر شرایط ازدواج مطرح بوده که نیاز است ضمن بررسی نظرات اهم، نظریه منصفانه را برگزید و اصلاح قوانین فعلی را حسب این نظریات خواستار شد.

اگر نظر فقهای اسلامی در مذهب امامیه و همچنین مذاهب اربعه، مورد تفسیر موسع قرار گیرد، می‌توان به این نکته مشترک دست یافت که حداقل سن ازدواج می‌بایست به صورت شناور تعیین شده و تشخیص بلوغ جنسی و عقلی، معیار صدور مجوز ازدواج باشد. با این حال به سبب وجود مسائل تخصصی در این حوزه، نیاز است که آئین نامه آن با همکاری وزارت بهداشت و قوه قضائیه تهیه شده و بر این اساس، اهلیت لازم برای ازدواج تشخیص داده شود. مبتنی بر نتیجه تحقیق پیشنهاد می‌شود که ضمن اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ازدواج‌های زیر ۱۸ سال (برای مرد و زن) منوط به کسب مجوز

اهلیت دانسته شده که آئین نامه آن توسط وزارت بهداشت و قوه قضائیه تهیه شده باشد. نیاز است که در این آئین نامه به تکامل عقلی و شناخت کامل از ازدواج توجه شود و رضایت قلبی طرفین نیز مورد بررسی قرار گیرد.

در عین حال جهت مقابله با ازدواج‌های غیرثبّتی نیاز است که مجازات‌های سنگین‌تر وضع شده و نسبت به شناسایی این مصادیق، به نحوی بهتر عمل شود. بدین صورت ضمن تأمین نظر فقهای اسلامی در تمامی مذاهب، هماهنگی بیشتر با جامعه بین الملل و مدافعان حقوق بشر صورت گرفته و نظام حقوقی کشورمان متهم به نقض حقوق بشر نخواهد شد.